به نام معمار هستي

خط معمـــــار
http://archline.ir

مقدمه

درونگرایی یا محرمیت ، موضوعی است که به جرات میتوان گفت تمامی معماران یا دانشجویان معماری با این موضوع حساس و مهم آشنا هستند. از آنجایی که فرهنگ ما ایرانیان به دو بخش ایران قبل از اسلام (ایران باستان) و فرهنگ اسلامی تقسیم میشود لذا جایگاه موضوع مورد تحقیق در هردو برهه زمانی تشریح خواهد شد.

عده ای می خواهند درونگرایی را درقالب روحیات متعصبانه ناسیونالیستی خود امری صرفاً ایرانی بدانند و عده ای نیز آنرا در پکیجی کاملاً مذهبی ارائه داده وآنرا ارمغان اسلام می نامند. ولی در نگاهی رئالیستی و واقع بینانه، اصل واقعیت هویدا می شود. درست است که تاریخ پیدایش و ظهور این موضوع مهم به دوران قبل از اسلام باز میگردد بطوریکه نتیجه این نوع تفکر را به سهولت می توان در کاخ های هخامنشی (پارتی) شهود کرد ولی ورود اسلام عزیز بود که آنرا به اوج کمال رسانده و غنا بخشید. به نحوی که اثرات به جامانده از مقاطع تاریخ مختلف، خود گواهی متقن بر مطلب فوق است. ردّپای این اصل اصیل و سیر تطوّر محرمیّت را که پله پله رشد کرده است را میتوان در سبکهای مختلف معماری ایران وسایر ملل مسلمان نظاره کرد.

در این تحقیق سعی می شود پیرامون نوع تجلّی و تبلور درونگرایی در قالبهای فُرمیک معماری و در عرصه های معناشناسی معماری بحث شده و بر شعاع تاثیر گذاری آن پرداخته شود و به ناگزیر برای رسیدن به یک نتیجه مستدل ومستند از کتب و مقالات دیگرنیز در حد نیاز بهره خواهم جست. و از آنجایی که غور در بحربیکران معماری اسلامی، کاری است بس دشوار امیدوارم که با عنایت حضرت حق کار به سرانجام رسد.

حال برای اینکه به اصل موضوع(درونگرایی) اشاره کنم لازم میدانم قبل ازآن، سیری سطحی بر ماهیتی وچیستی معماری اسلامی داشته باشم.

خط معمـــــار
http://archline.ir

گذری اجمالی بر ماهیت معماری اسلامی

براستی معماری چیست؟ به ندرت دانشجویی یافت می شود که بتواند تعریف روشنی از معماری ارائه دهد. تعریف معماری در فرهنگ لغت عبارتست از: «هنر و علم طراحی ساختمان» . معماری به عنوان اجتماعی ترین هنر بشری ، با فضای اطراف انسان مرتبط است. حضور معماری از گذشته تا امروز لحظه ای از زندگی آدمیان، غایب نبوده ونخواهد بود.

غالب اساتید برآنند که معماری دارای دوخروجی است:

1- مولفه های فیزیکی (کالبدی) همچون فرم
2- مولفه های متافیزیکی (غیرکالبدی)، یعنی فضا که در کالبد معماری حس و دریافت می شود.

خط معمـــــار
http://archline.ir



خط معمـــــار
http://archline.ir

تعابیرفوق در نگاه اول با وجود اجمال واختصار، جامع وکامل به نظرمی رسند ولي هنرمند مسلمان ایرانی ضمن اینکه با آرای فوق با دیده احترام می نگرد ولی آنرا کافی و وافی نمیداند. آنچه در ادب وتفکر اسلامی هنر نامیده مي شود با تلقی غربیان از هنر، تفاوت ماهوی دارد. بدین بیان که هنری که در اسلام بسط و ظهور یافته است درذات خود دینی بوده و درپرتو حضور دینی حاصل آمده است. به بیان دیگر در هنراسلامی امرمحسوس و جهان تماشا، اصالت نداشته و صرفاَ بدان اکتفا نشده است به طوریکه هرچیزی درعالم محسوس در نزدهنرمند آیه و نشانه ای است برای حقایقي برتر. درتمدن اسلامی زیبایی را چهره حقیقت دانسته اند لذا زیبایی شناس کسی است که با حقیقت وجود و هستی ارتباط دارد یعنی در عین اینکه زیبایي شناس است، اهل الهیات وسیرمعنوی و عرفان نیز هست. بنابراین تفکر در باب معماری اسلامی نیازمند شمول اندیشه برتمامی حوزه های معرفتي اسلامی است به عبارت دیگر هنر در اسلام به عنوان مقوله ای منفک و جدا هرگز تحقق نداشته است. بنابراین عناصر و مولفه های زیبایی شناختی آثار هنری اسلامی از ویژگیهایی برخورداراست که کاملا با ملاک های استتیک غربی متفاوت است. شماره چهارخردنامه همشهری اینگونه می نویسد:

« هنراسلامی همواره درجست وجوی آن است تا حال و هوایی فراهم کند تا درآن گذرایی و ناپایداری، شان اشیای مادی برجسته شود و نیز عبث گونگی و بی محتوایی اشیا و اعیان مورد تاکید قرارگیرد ».

خط معمـــــار
http://archline.ir

خط معمـــار
http://archline.ir

اصول معماری اسلامی (ایرانی):

مفاهیم بنیادی درمعماری، ویژگی های کالبدی و فضایی معماری را در بر می گیرد. این مبحث، خود جای زیادی برای بحث ونقد دارد و مهمترین عامل تغییرات و دگرگونی فرم و کالبد در معماری، ریشه در همین مفاهیم دارد.

در مطالعه معماری ایرانی، کاملاً روشن است که بدون عمیق شدن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی شناخت معماری ایران ناممکن است .... کالبد همیشه قابل نقد علمی است، بویژه هنگامی که این نقد در ارتباط با محیط فیزیکی و جغرافیایی صورت گیرد. مفاهیم بنیادی درمعماری باعث ایجاد اصولی درمعماری می شوند که باعث پایداری آن شده و عامل انتقال این مفاهیم به دیگر تمدن ها و درک بهتر و صحیح معماری از جانب بیننده وکاوشگر می شود.



شایان ذکر است که واکاوی این اصول و مفاهیم از دیدگاه معماران گوناگون، نتایج متنوعی در بر خواهد داشت که در اصل و ریشه با یکدیگر وحدت دارند، بررسی نقطه نظرات نام آوران این عرصه پیرامون اصول معماری ایران، کاملاَ سودمند وآموزنده است. محققین و اندیشمندان بسیاری چه داخلی و چه خارجی، همچون ماکسیم سیرو، آندره گدار، آرتور پوب، داراب دیبا، میردانش، محمد کریم پیرنیا و ....عمری را به کنکاش و استخراج این اصول و مفاهیم پرداخته اند ولی در اینجا از بیانات ارزشمند مرحوم پیرنیا استفاده خواهیم کرد، اصول معماری ایرانی(اسلامی) از دیدگاه شریف ایشان به شرح ذیل است:

1- مردم واری 2- پرهیز از بیهودگی 3- نیارش 4- خودبسندگی 5- درونگرایی

خط معمـــــار
http://archline.ir



خط معمـــــار
http://archline.ir

واژه درونگرایی در علوم و حوزه های دیگر

بیان این نکته خالی از لطف نیست که بدانیم واژه وحتی مفهوم درونگرایی به جز معماری در عرصه ها وحوزه های دیگر نیزمطرح می شود که گاها سنخیت قابل توجهی بین تعاریف این عرصه ها از درونگرایی است و وجوه مشترک وسیعی با هم دارند. برای نمونه به دو مورد غیر از معماری اشاره می شود:

الف) درونگرایی در عرفان اسلامی

مهندس مهدی صادق احمدی اینگونه می نویسد:

« درونگرایی یک اصل اساسی در سلوک عرفان اسلامی است. درونگرایی از نظرمعنایی با خلوت، زاویه نشینی، مراقبه نفس و اعتکاف هم خانواده است. در درونگرایی تمرکز قوای انسانی بر دل و شناخت نفس است که از این طریق به شناخت خداوند می رسد که به گفته پیامبراکرم (ص) من عرف نفسه فقد عرفه ربه.

درونگرایی بر مبنای جهاد اکبر و مبارزه با نفس برای راندن پلیدی و پالایش درون از آلودگی هاست تا چشمه های حکمت از درون دل انسان که متصل به منبع لایزال الهی است جاری گردد»

خط معمـــــار
http://archline.ir

شاید با خواندن جملات فوق درنگاه اول، مضامینی همچون رهبانیت، سرسپردن به کوه و دشت، دوری گزیدن ازخلق و موضوعاتی از این جنس به ذهن شما متبادر شود. نقل کردن این نکته ی باریکتر از مو الزامی است که درونگرایی اسلامی نه تنها رهبانیت و کناره گیری از خلق را تایید نمی کند بلکه خط بطلان بر آن کشیده و فرد را به تهذیب و تزکیه در کنار فعالیتهای اجتماعی فرا می خواند. زیرا گروهی هستند که از اجتماع و مردم کناره گرفته و همه عادات و رسوم و آداب را کنار گذاشته اند و خود را از مزایای زندگی اجتماعی محروم کرده اند و با مردم ارتباط و معاشرت ندارند و در کنج خلوت آرمیده اند به طوری که انگشت نمای مردم گشته و به گوشه نشینی مشهور شده اند.

گاندی می‌گوید:

«در دنیا فقط يك حقیقت وجود دارد و آن شناسایی ذات (نفس خود) است. هرکس خود را شناخت، خدا و دیگران را شناخته است هرکس خود را نشناخت، هیچ چیز را نشناخته است. در دنیا فقط يك نیرو و يك آزادی و يك عدالت وجود دارد و آن نیروی حکومت بر خویشتن است. هرکس بر خود مسلّط شد، بر دنیا مسلّط شده است».

بله براستی که یکی از اصیلترین معانی که میتوان برای درونگرایی عرفانی متذکر شد، خویشتن شناسی و خودشناسی است، و در همین راستا به کلمات قصاری که از لسان مبارک بزرگمرد عرفان، ستاره فروزان دین و دانش، علامه حسن زاده آملی(حفظه الله) جاری شده است اشاره می کنیم:

آنکه می پندارد کاری برتر از خودشناسی است چیست؟

آنکه از سیرانفسی به سیر آفاقی نرسیده است، چه چشیده وچه دیده است؟

همانا که فلسفه، همان معرفت انسان به نفس خویش است و معرفت، نفس مادر و ریشه حکمت است.

آنکه خویش را زرع و زارع و مزرعه ی خویش نداند از سعادت جاودانی باز خواهد ماند.

بنابراین با تفکر و اندیشه عمیق در مورد ساختار وجودی انسان و هدفی که انسان برای آن خلق شده و قوای ظاهری و باطنی و توانایی‌های شگفتنی که در این موجود خارق العاده قرار داده شده و این که حقیقت انسان گوهری ملکوتی و علوی است می‌توان تا حدودی به شناخت بهتر خویش نایل گردید. اگر دریافتیم که انسان موجودی ابدی است و در این جسم خلاصه نمی‌شود و علم و ادراکات او از عالم مجردات و خارج از قوانین حاکم بر مادیات است و با مردن فانی نمی‌شود بلکه حقیقت او به عالمی دیگر انتقال می‌یابد و از هستی و واقعیت او چیزی کاسته نمی‌گردد و همین حقیقت، معرف شخصیت اوست ..

مراد از خودشناسی، شناخت خود واقعی انسان یا همان روح انسانی است که گوهری و حقیقتی ورای ماده و فوق آن و وجودی مجرد و فراتر از جسم و جسمانیات است و سایه ای از وجود حق تعالی و خداوند متعال است و بهترین و آسان ترین راه شناخت خداوند است و روایت مشهور: «من عرف نفسه فقد عرف ربه هر که خود را بشناسد، خدایش را شناخته است» بر این مطلب دلالت دارد. پیداست هر چه فکر در «خود» عمیق‌تر و بیشتر باشد و شناخت از «خود» کامل‌تر گردد، به همان اندازه شناخت حقایق نیز کامل‌تر و عمیق‌تر خواهد بود و در واقع فکر در «خود» است که می‌تواند مبدأ شناخت حقایق وجود گردد و هر چه در «خود» فکر کنیم و با «خود» بیشتر آشنا شویم، می‌توانیم به حقایق هستی نیز معرفت پیدا کنیم و آنها را بشناسیم و به عکس، هر چه از فکر در «خود» دور باشیم و از آن بی‌خبر بمانیم، از حقایق هستی هم دورتر و به آنها جاهل خواهیم بود



خط معمـــــار
http://archline.ir



گودال باغچه يكي از مظاهر معماري درونگراي ايران است كه خانه هاي حاشيه كوير در نماي بيروني بسيار ساده بوده ولي درون خود داراي دنيايي از زيبايي و نغز كاري شگرفي هستند كه انسان با ديدن آنها غالب تهي ميكند .

خط معمـــــار
http://archline.ir



كوشك ها يكي از معدود بناهاي برونگراي معماري ايران هستند كه به صورت برونگرا ساخته شده اند اما آنها نيز در عين حال كه به ظاهر برونگرا هستند اما در خود نوعي درونگرايي را نشان ميدهند زيرا آنها در وسط باغي هستند كه داراي حصاراست و اين نيز خود نوعي درونگرايي است.

خط معمـــــار
http://archline.ir

ب) درونگرایی در روانشناسی

درونگرایی یا برونگرایی از مضامینی است که در علم شناخت روان بسیار کاربرد دارد.هر انسانی دارای جنبه‌ها و خصوصیات شخصیتی گوناگونی است که یکی از آن‌ها درون گرا بودن وی می‌باشد. ازدیدگاه بعضی صاحبنظران این دانش پیچیده وبی انتها، درونگرایی یک خصیصه نسبتا ذاتی است که با فرد متولد شده و دوش به دوش شخص و در ملازمت اوست. اصل وجود این خصوصیت ممکن است ذاتی باشد اما نقش محیط خانوادگی و اجتماعی و یادگیری را در رشد و تکامل آن نمی‌توان نادیده گرفت. انسان به اقتضای انسان بودنش همچون دیگر کائنات، همواره در حال حرکت به سوی کمال است لذا از جنبه های اکتسابی این صفت انسانی، هرچند که سهم ناچیزی داشته باشد نباید غافل شد. انسان های درونگرا، اشخاصی هستند بسیار علاقمند به تنهایی، تفکر و بعضاَ انزوا، بطوریکه نفوذ به حریمشان کار مشکلی است و در جهت مخالف نیز برونگرایی است. شخص برونگرا بر خلاف انسان درونگرا، بیش از حد مشتاق به حضور در جمع های دوستانه بوده و ازتنهایی منزجر است وهمانند کوشک های باغی در معماری، پیوسته تمایل به ابراز وجود داشته و حریمی غیر محصور دارد.

خط معمار
http://archline.ir

درونگرایی در معماری

درونگرایی در معماری به چه معناست؟ چگونه میتوان جایگاه چنین اصل مهمی را آنگونه که شایسته است تبیین کرد؟ اصلی که جزو لاینفک و ثابت معماری اسلامی (ایرانی) است و با تاریخ و هویت ابنیه ایرانی پیوندی دیرینه دارد. سخن گفتن در باب درونگرایی از دریچه ای نو کاری بس مشکل است. زیرا ارزش و اهمیت این اصل اصیل در معماری ایرانی بقدر محرز است که کمتر معماری است که از آن ننوشته یا سخن به میان نرانده باشد. لذا بنده در حد بضاعت اندک خود سعی میکنم نقطه نظراتم را در این راستا بیان کنم.

ابتدا به ساکن لازم است تعریف صریح و روشنی از درونگرایی در معماری ارائه دهیم. درونگرایی شاید یکی از اولین اصولی است که هر معمار سنتی ایرانی بدون توجه به دیگر نیازها آن را ناخودآگاه رعایت کرده و در طراحی معماری خود به کار می برد. درونگرایی را ازهمان تمدن های اولیه ایرانی مشاهده می کنیم و پس از اسلام هم شاهد رعایت این اصل به طور فراوان هستیم. حفظ حریم خصوصی و مسئله محرمانه بودن فضاها از دیرباز در فرهنگ ایرانی مطرح بود. البته گاهاً عده ای با غرض و مرضهای گوناگون قضاوتهای نادرستی می کنند که بعضاَ ناشی از احساسات ناسیونالیستی افراطی شان است ولی مسئله حفظ حریم، امری مهم است که در کاخهای هخامنشی به کثرت به چشم می خورد. وشاید بتوان از این نکته، به وجوه اشتراکی که بین ادیان و مذاهب گوناگون وجود دارد، پی ببریم. با وجود این که دین و آیین ایرانیان قبل از اسلام، زرتشتی بوده است ولی بنده شخصاً با بررسی چندین نمونه عکس از حجاری های تخت جمشید جایی که درآن اختلاط زن و مرد به تصویر کشیده شده باشد نیافتم. چرا که ایرانی موحد و اخلاق مدار از همان زمانهای دور و دراز با هرگونه بی بند وباری مخالف بوده و آنرا به بی عفتی محکوم می کرد و از همین روست که چنین خاک پاک و فرهنگ مترقی ، زادگاه افرادی چون کورش می شود که بعضی از محققین و مفسرین کتاب خدا از احتمال نبوت او سخن می گویند. کلمه ذوالقرنین یکی از تعابیری مدح آمیزی است که آنرا به کورش کبیرمنسوب می کنند.

داراب دیبا علاوه بربیان درونگرایی بعنوان اصلی از معماری در بیان مفهوم این اصل می نویسد:

« درونگرایی مفهومی است که به صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته و با حضوری آشکار، به صورت های متنوع، قابل درک و مشاهده است. ویژگی معماری غیر قابل انکار آثار و ابنیه ای مانند خانه، مسجد، مدرسه ، کاروانسرا، حمام وغیره به خصوصیت درونگرایانه آن است که ریشه ای عمیق در مبانی و اصول اجتماعی – فلسفی این سرزمین دارد. درونگرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق وعبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمانینه خاطر و آرامش اصیل در درون به نظمی متعالی و موزون ریسده است ».



خط معمار
http://archline.ir



مرحوم استاد محمد کریم پیرنیا از درونگرایی به عنوان یکی از پنج اصل معماری ایرانی نام می برد، وی در تشریح این اصل چنین می نویسد:

« اصولاً در سازماندهی اندام های گوناگون ساختمان و بویژه خانه های سنتی، باورهای مردم، بسیار کارساز بوده است. یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن ونی عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه ای معماری ایران را درونگرا ساخته است. معماری ایرانی با ساماندهی اندام های ساختمان درگرداگرد یک یا چند میانسرا، ساختمان را ازجهان بیرون جدا می کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند میداد. خانه های درونگرا در اقلیم گرم وخشک ، همچون بهشتی در دل کویر هستند، فضای درونگرا مانند آغوش گرم بسته است .

خط معمـــــار
http://archline.ir

واز هر سو رو به درون دارد. اندرونی جایگاه زندگی خانواده بود و بیگانگان بدان راه نداشتند. بیرونی ویژه مهمانان و بیگانگان بود که جداگانه پذیرایی می شدند و گاهی مهمانان در بالاخانه (اتاق روی هشتی) که به اندرونی نزدیک بود پذیرایی می شدند. خانه های برونگرا در برخی سرزمینهای ایران نیز ساخته می شود، مانند کردستان، لرستان وشمال ایران ولی در سرزمین های میان و گرم وخشک ایران، خانه های درونگرا پاسخ درخوری برای خشکی هوا، بادهای آزاردهنده ، شن های روان وآفتاب تند هستند ».

وهمینطور مهندس مهدی صادق احمدی معتقد است :

« درونگرایی یعنی نوعی همنشینی فضاها در بافت شهری در کنار هم که در آن بناهای شهر مثل خانه ها و مساجد بصورت پیوسته و به هم چسبیده کنار هم قرار گرفته اند و حیاطها و میادین و فضاهای خالی در میان آنها شکل گرفته است ».

بیشتر کسانی که به بررسی معماری ایرانی پرداخته اند. بر توجه خاص در این معماری به اصل درونگرایی تاکید کرده اند که البته علل و انگیزه های متفاوتی را برای آن برشمرده اند. این انگیزه ها را میتوان در دو گروه جای داد:

الف) انگیزه ها و علت های مادی (امنیت ، اقلیم و...)

ب) درونگرایی به عنوان نوعی تفکر وجهان بینی

خط معمار
http://archline.ir

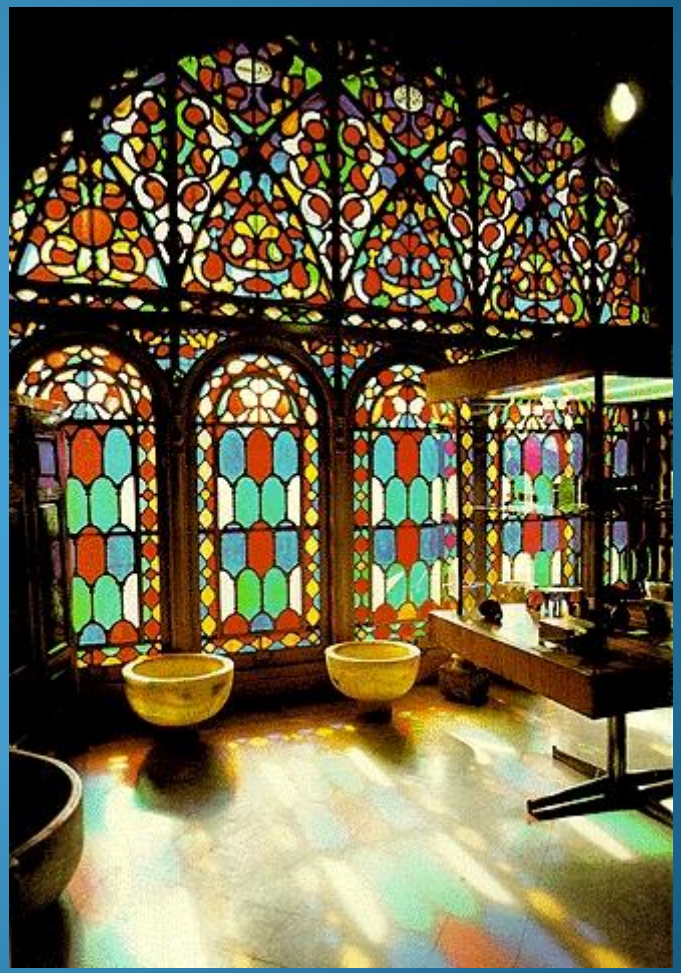
خط معمـــار
http://archline.ir





نمايي از سقفهاي زيباي خانه هاي يزد و كاشان.

شيشه هاي رنگي در خانه هاي ايراني دلايل زيادي داشته که يکي از اين دلايل درونگرايي بوده .



خط معمـــــار
http://archline.ir

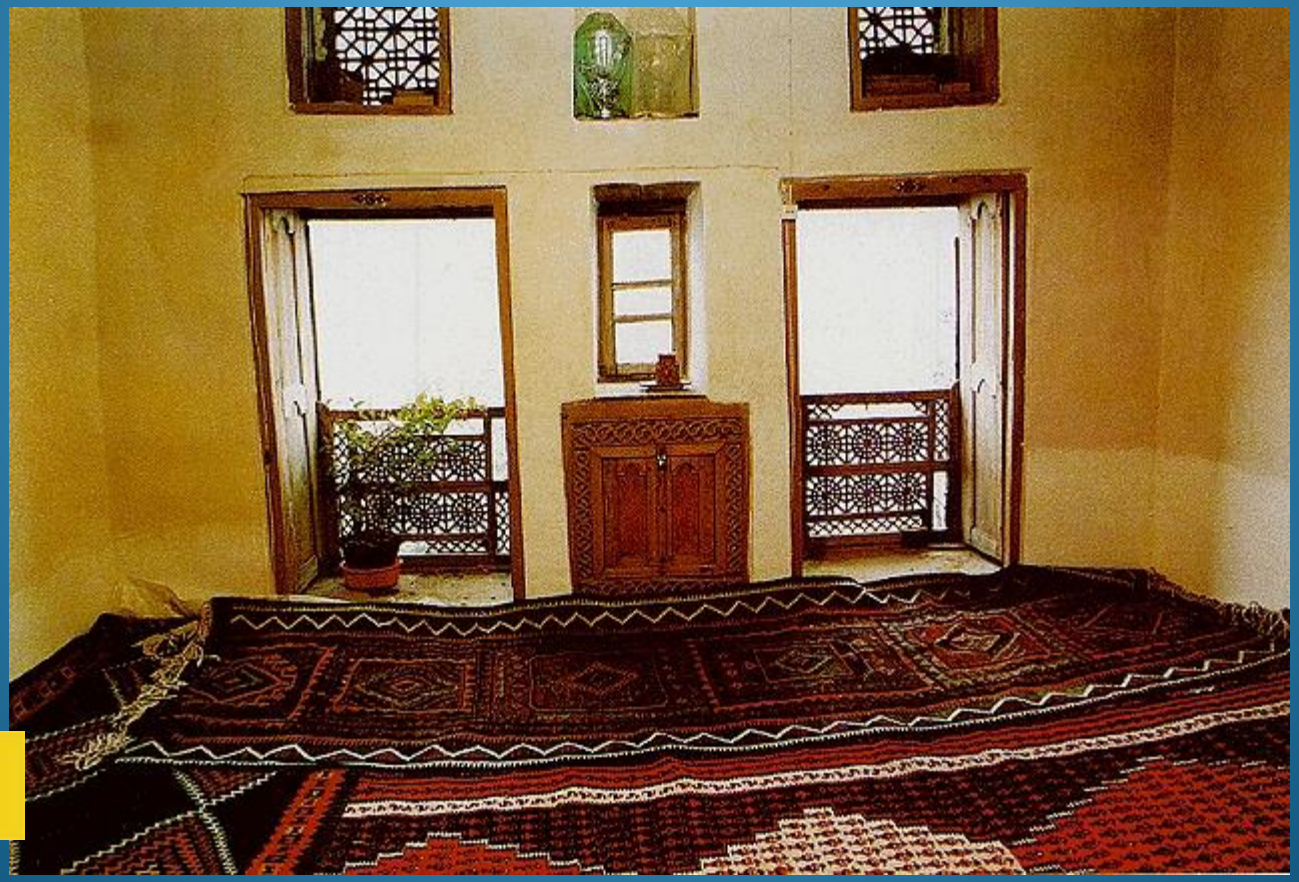
الف-1) امنیت :

خانه + امنیت، معادله ای است که پاسخ آن، مفهوم سکونت خواهد بود، مکانی که امن نباشد حس رعب و وحشت را به انسان القا می کند. مقصود ازامنیت، صرفاً امنیت فیزیکی نیست بلکه امنیت روانی و روحی نیز مدّنظر است. فردی که خود را از هجمه عوامل طبیعی مثل برف، باران، باد و... در امان بداند ولی درونش سرشار از تشویش باشد، کجا میتواند لذت زندگی صمیمی یک فرد ایرانی را بچشد؟ کسی که اضطراب و واهمه سراسر وجودش را فرا گرفته است چگونه زندگی مملو از مهر و عطوفت را تجربه می کند. هچ انسانی قادر به برقراری ارتباط با یک فضای ناامن نیست.

تمامی این معضلات و مشکلات که آسایش را از انسان سلب می کند با ایجاد درونگرایی به فراموشی سپرده می شود. مهم نیست افراد یک خانواده بیرون از خانه، با چه ناهنجاری های مدنی و اخلاقی روبرو هستند بلکه محیط داخل خانه فضایی کاملاً امن است که امنیت خاطر همراه با آسایش را به رایگان به انسان پیشکش می کند.

امنیت ابنیه ی سنتی وکهن علی الخصوص منازل به گونه ای تعریف شده است که هر بیگانه ای راه به درون ندارد. ورود همراه با سلسله مراتب است. بعضی افراد در همان گذر و جلوی درب خانه و روی خواجه نشین (پیرنشین) صاحبخانه را ملاقات می کنند، عده ای که خودمانی ترند وارد هشتی یا بیرونی می شوند و اندرونی منزل مخصوص محارم این منزل و اهالی آنست و این یعنی همان امنیت منحصر بفردی که در دنیای پرآشوب و پر از دغدغه امروز به کیمیایی ناب تبدیل شده است. انسان امروزی در تک تک لحظه هایش تحت کنترل است. حتی در خصوصی ترین لحظات زندگی نیز، اطمینان خاطر نسبت اوضاع پیرامون خود ندارد. پیوسته دردنیایی از نا امنی و استرس غوطه ور است. صلح وصفا به معنای حقیقی اش، رنگ باخته است. سوءظن در دیدگان هر فردی موج می زند. چرا که هر آینه جاسوسی در تعقیب انسان است. گفت و گوهای تلفنی را شنود می کنند، کوچکترین فعالیت فرد در جهان مجازی ردیابی می شود، از سکانس به سکانس زندگی هر شخص تصویربرداری می کنند. جبر زمانه و مشکلات اقتصادی، فرهنگی به نام آپارتمان نشینی را رواج می دهد که در تقابل کامل با فرهنگ ایرانی و اسلامی ماست. حریم های اخلاق و عفت یک به یک دریده می شود و بنیان خانواده ها سست می گردد چرا که دنیای امروز از وجود یک خلا و شکاف رنج می برد و آن، امنیت است. جای خالی امنیتی که درونگرایی برای ما به ارمغان می آورد، امروز بیش از پیش احساس می شود. یکی از راهکارهای مبارزه با نا امنی و ایجاد فضایی گرم در کانون خانواده ها، باز زنده سازی خصائل و اندیشه های سنتی است که برگرفته از متعالی ترین منابع فکری وغنی ترین آموزه های وحیانی است.

امنيت و آرامش يكي از شاخصه هاي معماري ايراني است كه برگرفته از درونگرايي درمعماري است كه در اين تصوير به خوبي احساس مي شود.



خط معمـــــار
http://archline.ir



خط معمـــــار
http://archline.ir

الف -2) اقلیم :

اقلیم از جمله مواردی است که برای نیل به شرایط آسایش از اعمال آن در پروسه ی طراحی ناگزیریم. پیکار با طبیعت حاصلی جز خسران و زیان نخواهد داشت. لذا آشنایی و لحاظ کردن شرایط جوّی هر منطقه، باعث نزدیکی به فضای آرمانی و معماری مطلوب می شود. توجه به شرایط محیطی، گاه چنان پررنگ است که عنایت ویژه، سبب خلق فرمها، ایده ها و سبکهای نو می شود. برای مثال هر فردی با شنیدن نام گیلان به یاد خانه های چوبی و سقف شیروانی می افتد. شنیدن نام مناطق حاشیه خلیج فارس، خانه هایی با سقف بلند و ایوان را برای هر فردی تداعی می کند. و هرکسی که اندکی با مناطق ایرانی آشنا باشد، مناطق حاشیه کویر همچون یزد، اردکان و... را با بادگیرهایش می شناسد. نام این معماری را میتوان معماری همساز با اقلیم نامید. طبیعت با تمامی توحّش ظاهری اش (سیل، طوفان، زلزله و ...) طراحی زبده ترین معمار است که برترین و عالی ترین صفات از آن اوست.



خط معمار
http://archline.ir

هر معمار آگاهی می داند که با طراحی اش، پا جای پای حضرت حق می گذارد، لذا میداند که باید تسلیم بی چون وچرای او باشد و به مخاصمه با او برنخیزد. چرا که قدرت او، مافوق ادراک ضعیف بشر است و کسی را یارای مقابله با او نیستو حاصل این نبرد چیزی جز رسوایی و فضاحت برای بشر نخواهد بود. بنابراین اقلیم برای یک معمار ایرانی، ابزار است تا با آن بتواند به اهداف عالیه اش دست یازد.

خط معمار
http://archline.ir



مناطقی همچون اردکان، میبد، یزد و... که در مجاورت کویر بلکه در خود کویر واقع شده اند همواره در معرض طوفانهای شن و بادهایی است که از جانب کویر وزیدن می گیرد. به این بادهای کویری، آب وهوای خشک و آفتاب فوق العاده تند را هم اضافه کنید. از این روی یکی از راهکارهایی که میتوان برای مقابله با این دیو هولناک اتخاذ کرد همان فضای تهی است که از آن به حیاط مرکزی تعبیر میکنند. حیاطی که فضاها را هوال خود بصورت چهار فصل ساماندهی می کند و برخلاف ظاهرش که تهی است ولی دردرون خود یک دنیا معنا و معنویت جای داده است که در ادامه به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

درونگرایی به عنوان جهان بینی و تفکر

پس از توضیح و تشریح درونگرایی از زوایای مختلف، لازم است ابزارهای نیل به این هدف را بشناسیم، ناگفته پیداست که برای تحقق هر ایده و فکری به ابزار نیاز است. مثلاً برای القای عمودی بودن ساختمان از عناصر عمودی و قائم استفاده می کنند، برای خلق یک فضای پرانرژی می توان از رنگ های گرم استفاده کرد، برای ایجاد حس لطافت و نرمی، می توان از خطوط منحنی بهره گرفت و از این دست مثال ها دال بر تایید مطلب فوق، بی شمار است. حال برای طراحی ساختمان های درونگرا چه باید کرد؟ معماران سنتی از چه پارامترها و شاخصه هایی برای تحقق این هدفشان سود می جستند؟ چه ابزاری در دسترس بشر است که در قالب فرم وفضا و در مقیاس کلان تر، معماری، افراد را به درونگرایی وادار کند. انسان را به خود و خویشتن یابی و خودنگری مشغول کند. خودنگری و خودبینی ای که به خدابینی ختم شود.

خط معمار
http://archline.ir

یکی از بدیهیات معماری ایران که همگان بر آن واقفند این است که معماری درونگرا در نقاط مرکزی ایران و در اقلیم گرم وخشک و شهرهایی مثل سمنان، کاشان، یزد، میبد و... رایج است. به سبب نوع اقلیم این مناطق، بناهای شهر طوری در مجاورت هم چیده می شدند که بین آنها و در دل آنها فضاهایی تهی بنام حیاط پدید می آمد. بعبارتی یکی از ابزارهای ایجاد درونگرایی، فضای تهی (حیاط) است.

« اهمیت معنوی خلاء یکی از پیامدهای رابطه عمیق و دقیق معنویت و مبانی متافیزیکی اسلام و هنراسلامی است. خلاء، سمبل یا نشانه ای است که استعلاء وحضور خداوند در اشیا را با هم نشان می دهد. این اصل اساسی متافیزیکی استوار است برشهادت و استنکاف اسلام از این که چشم انداز خویش را بر مفهوم انسان خدا قرار می دهد. هنر اسلامی همواره در جستجوی آن است تا حال و هوایی فراهم کند که در آن گذرایی و ناپایداری، شان اشیای مادی برجسته شود و نیز عبث گونگی و بی محتوایی اشیا و اعیان مورد تاکید قرار گیرد. اهمیت مثبت خلاء را میتوان درنقشی که فضا درمعماری و طراحی شهری ایفا میکند، دید. درمعماری غربی، خواه دوره کلاسیک خواه قرون میانه و یا دوره مدرن فضا با فرم های مثبتی مثل ساختمان و مجسمه تعیین می شود. این شیء است که فضای اطراف آن را مشخص می کند و به فضا معناو تعین می بخشد.

در معماری اسلامی فضا از معنایی مثبت برخوردار است. فضا به واسطه شیء مثبت تعیین نمی شود، بلکه از طریق غیبت و فقدان جسمانیت یا مادیت تعیین می شود. این نیز جنبه دیگری از خلاء است و اگر بخواهیم اصطلاح بهتری به کار بریم، می توان آن را فضای منفی نامید.»



نمايي ازيك گودال باغ در بافت حاشيه كوير

خط معمـــــار
http://archline.ir

(نتیجه گیری)

وقتی ریشه های فرهنگی یک ایرانی را بررسی می کنم، احساس افتخار توام با غرور، وجودم را لبریز می کند، کارنامه افتخارات ایران و ایرانی، چنان نورانی و ارزشمند است که فیلم 300 که هیچ، چهارصد و پانصد وهزار هم نمی تواند آنرا مخدوش کند. سرزمینی با پشتوانه غنی فرهنگی که با مردمی هوشیار بنا به شهادت تاریخ، هیچگاه تن به ذلت کفر و بت پرستی نداده است. مردمی خوشفکر که از همان ابتدا، بینشی مبتنی بر مبانی فطرت داشته اند و این درحالی است که هم اکنون در کشورهایی همچون هندوستان، گروههایی از مردم در فرق مختلف مانند میمون پرستی، موش پرستی و... مشغولند. بعضاً مکاتبی که انسان از اشاره به مبانی فکری و اعتقادی شان شرم دارد. ولی ایرانی سرراز با ذهنی آکنده از معنویت از همان روزهای دور و دراز نگاه به آسمان داشت، فردی دیندار بود. تمامی مقدمه چینی های فوق برای اشاره به یک نکته حساس و در عین حال ظریف است. همانطور که در صفحات قبل اشراه شد، قدمت درونگرایی در معماری ایران به قرن ها پیش از اسلام باز میگردد، زمانی که ایران در اوج قله کمال و دانش به سر می برد.

وقتی می خواهیم از احیای ارزش های دینی درمعماری سخن برانیم، عده ای جاهل عاقل نما با حکم تحجر و واپسگرایی ما را متهم به عقب ماندگی کرده و شرایط جدید جهان معاصر را متذکر می شوند و آه سردی می کشند که گویی ما در جهل مرکب هستیم و آنها در نهایت فهم و دانش. با این وجود چون درونگرایی در ابنیه ی قبل از اسلام به چشم می خورد لذا می توان ریشه های آنرا عمیقاً در سرشت آدمی جستجو کرد. میخواهم تیرخلاص بزنم و بگویم که « درونگرایی ریشه در هدف خلقت دارد ». چرا که آفریدگار جهان می فرماید : « ما خلقت جن و الانس الا لیعبدون » که بعضی مفسرین گفته اند منظور از لیعبدون در اینجا لیعرفون است. یعنی انسان پا به عرصه وجود می نهد تا به شناخت برسد. شناختی که از آن صحبت می رانیم یعنی شناخت خدا، از کانال شناخت انسان (یعنی خود) می گذرد و این حاصل نخواهد شد مگر با درونگرایی و درون نگری.

خط معمار
http://archline.ir

و این هرگز پایان نیست